

آنها کنار دشمن ایستادند

جریان شناسی سیاسی و تاریخی نیروهایی که بایگانگان متحد شدند



فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاست

در پنجمین دهه از عمر جمهوری اسلامی، کشور وارد دومین جنگ بزرگ خود شده و بیش از یک هفته است که درگیری ایران و اسرائیل ادامه دارد؛ روندی که مشخص نیست چه زمانی به پایان برسد، با آغاز جنگ، موج گسترده‌ای در فضای سیاسی کشور در راستای ملی‌گرایی ایجاد شده است؛ به گونه‌ای که حتی چهره‌های شاخصی چون «سیدمحمد خاتمی، مهدی کروبی، زهرارهنورد و مصطفی تاج‌زاده» که طی سال‌های اخیر از سوی سیستم با نامهربانی روبه‌رو شده‌اند؛ وقتی پای وطن به میان آمده است، اختلافات سیاسی را کنار گذاشته و برای ایران، دست اتحاد و دوستی دراز کرده‌اند. اما در خارج از مرزها و در بین گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران؛ فضایی دیده می‌شود که تکرار تاریخ است و باز هم شاهد ایستادن عده‌ای در کنار دشمنی متجاوز به خاک ایران هستیم.

▼ جنگ ۸ ساله

هنوز دو سال از پایان دوره پهلوی در ایران نگذشته بود که صدام حسین، جنگ با ایران را آغاز کرد و کشور وارد وضعیتی شد که هشت سال به‌طول انجامید. درباره آن سال‌ها به‌غیر از ارتش عراق، یک نام به‌صورت آشکار در ذهن ایرانیان باقی مانده است؛ نامی که بارها درباره آن نوشته شده و بیان جزئیات، تکرار حرف‌هایی است که برای ایرانیان بسیار آشناست. در نیمه دوم سال‌هایی که ایران درگیر جنگ با عراق بود، مسعود رجوی، رهبر مجاهدین خلق از فرانسه راهی عراق شد، گروه تحت‌نظرش در کشور دشمن ایران مستقر شد و رجوی با صدام حسین دیدار کرد تا رسماً همکاری و همراهی مجاهدین خلق با ارتش عراق آغاز شود؛ ماجرابی که اوج آن را می‌توان در مردادماه ۱۳۶۷ مشاهده کرد؛ جایی که مجاهدین خلق با اجرای عملیات «فروغ جاویدان»، از مرزهای غربی به خاک ایران حمله کردند.

هرچند نام سازمان مجاهدین خلق در هشت سال جنگ ایران و عراق به‌عنوان گروهی که به صدام کمک می‌کردند و این گروه را می‌توان پرچمدار ایستادن و اسلحه کشیدن در برابر مردم ایران دانست اما در آن سال‌ها، گروه‌های دیگری هم در بین مخالفان جمهوری اسلامی وجود داشتند که با به‌صورت لفظی یا عملی با ارتش دشمن همکاری داشتند که به‌صورت شاخص می‌توان از کومله، حزب دموکرات کردستان ایران در غرب ایران و الاحوازیه در خوزستان نام برد؛ گروه‌هایی که هرچند مانند سازمان مجاهدین خلق فعالیت میدانی انجام ندادند اما باتوجه به شناختی که از جغرافیا، فرهنگ و زبان منطقه داشتند، نقش پررنگی در عملیات‌های ارتش بعث ایفا می‌کردند. به‌عبارتی می‌توان گفت در آن مقطع، حزب دموکرات کردستان در استان‌های کردزبان و الاحوازیه در خوزستان، نقش بازوی جاسوسی و کمک‌رسان فکری برای ارتش عراق را ایفا می‌کردند. در کنار آنها، کومله هم در ذهن کردهای کردستان و کرمانشاه جایگاه مهمی دارد و فعالیت‌های تروریستی و وحشیانه آنها در مناطق مرزی در ذهن‌ها باقی است.

▼ ... و حالا جنگ با اسرائیل

اما در دوره جنگی که وارد دومین هفته آن شده‌ایم، اوضاع چگونه است؟ نگاهی به آنچه گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی داشته‌اند، باز هم نشان می‌دهد همان رویه گذشته در بین آنها وجود دارد و برخی گروه‌ها دست دوستی را به سمت اسرائیل دراز کرده و تصمیم گرفته‌اند در همان مسیری قرار بگیرند که در جنگ ایران و عراق توسط گروه‌هایی که نام آنها ذکر شد، طی شده بود و به‌عبارتی، همان راه را طی کنند. نگاهی به مواضع و بیانیه‌های رسمی‌ای که گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی داشته‌اند، نشان می‌دهد که آنها در چهار محور حرف زده‌اند:

همانطور که مشخص است، گروه‌هایی در خارج از مرزها وجود دارند که در حال تکرار تاریخ هستند. بهانه‌ها همان بهانه‌هایی است که در جنگ ایران و عراق وجود داشت. برای آنها وسیله مهم نیست؛ هدف مهم است. کاری ندارند که چه بر سر ایران می‌آید، چه تعداد از انسان‌های بی‌گناه ایرانی در این جنگ جان خود را از دست می‌دهند؛ برای‌شان فقط این مهم است که قدمی به هدف خود نزدیک شوند

۱ حمایت رسمی از اسرائیل: در بررسی بیانیه‌هایی که از سوی گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی صادر شده، یکی از نکته‌های جالب‌توجه این است که تنها در یک مورد به‌صورت آشکار به حمایت از اسرائیل پرداخته شده است که آن هم مربوط به «حزب آزادی کردستان» است. آنها در بیانیه‌ای که صادر کرده‌اند، رسماً گفته‌اند که برای «از بین بردن قدرت نظامی و امنیتی ایران و استراتژی سرنگونی رژیم» از اسرائیل حمایت می‌کنند؛ روندی که آنها اعتقاد دارند «مرحله‌ای مهم برای فروپاشی جمهوری اسلامی» است. اما در بین این گروه‌ها، یک مورد قابل ذکر دیگر هم وجود داشت: «حزب دموکرات کردستان ایران» را هم می‌توان به‌نوعی همگام و همراه با همان حرفی دانست که حزب آزادی کردستان زده است. آنها هرچند در بیانیه‌ای که صادر کردند، جمله‌ای مانند حزب دموکرات کردستان نگفتند، اما نکته جالب‌توجه این است که در بیانیه صادرشده توسط این گروه، هیچ نامی از اسرائیل به میان نیامده و تمام بیانیه به نقد سیاست‌های جمهوری اسلامی و بر علیه حاکمیت فعلی ایران است.

۲ جنگ وسیله‌ای برای براندازی: از آب گل‌آلود ماهی گرفتن، عنوانی است که می‌توان برای بخشی از این گروه‌ها مورد استفاده قرار داد. تعدادی از گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی، حمله اسرائیل به ایران و آغاز جنگ را بهانه‌ای برای رویای دیرینه خود قرار داده و همانطور که در بیانیه «حزب آزادی کردستان» اشاره شده بود، رویاهایشان برای براندازی و پایان عمر جمهوری اسلامی را در دل این جنگ بیان و عنوان کرده‌اند که باید از این فرصت برای پایان دادن به عمر نظام مستقر در ایران نهایت استفاده را کرد؛ چنانچه همین چندروز پیش بود که مریم رجوی به‌عنوان یکی از رهبران اصلی سازمان مجاهدین خلق گفته بود: «این جنگ، آغاز فصل جدیدی است.»

در یکی از نمونه‌هایی که در همین راستا قرار دارند، می‌توان به «حزب کمونیست کارگری» ایران اشاره کرد که در بیانیه خود راه عبور از این مرحله را این‌عنوان کرده که مردم به خیابان‌ها بریزند؛ غافل از اینکه چنین نسخه‌هایی، همین امنیت موجود را هم از شهرها می‌گیرد و عملاً جارا برای افزایش خرابکاری بیشتر می‌کند. «حزب تضامن دموکراتیک اهوازی» هم به چیزی شبیه این مورد اشاره کرده است. فارغ از اینکه مردمی که در برابر تجاوز بیگانه قرار دارند، اولویت‌شان حفظ جان و کاهش هزینه جنگ است؛ وگرنه حتی اگر خواسته این سوءاستفاده‌گران از فرصت فراهم شود، از دل اش آزادی، صلح و آرامش برای مردم بعید است به‌دست آید. در بخشی از بیانیه‌ای که این گروه به نگارش در آورده، آمده است: «باور داریم که امروز، زمان آمادگی برای تغییر بزرگ فرا رسیده است.» آنها جنگ ایران و اسرائیل را «فرصتی تاریخی» دانسته‌اند و تأکید کرده‌اند که مخالفان جمهوری اسلامی نباید این فرصت را از دست بدهند. مواضعی که شبیه به آنها توسط راه کارگر هم گرفته شده است.

دیگر گروهی که در این مسیر اقدام به موضع‌گیری کرده است، «حزب مرکزی کمونیست ایران» یا همان «کومله» است که در دوران جنگ ایران و عراق هم در کنار ارتش عراق قرار گرفته بود. آنها در این ایام دو بیانیه‌ای صادر کردند و بی‌توجه به خسارتی که به کشور و مردم ایران وارد شده است و در صورت عدم توقف جنگ بیشتر هم می‌شود؛ اشاره‌ای به این موضوع داشتند که باید از این فرصت استفاده کرد و دست به «مبارزه و سازماندهی برای سرنگونی» زد.

۳ جنگ برای جمهوری اسلامی است: برخی از این گروه‌های مخالف هم در توجیه حمایت خود از اسرائیل و چشم‌بستن‌شان به کشته‌شدن مردم و خسارت به زندگی آنها گفته‌اند که این جنگ مربوط به جمهوری اسلامی و اسرائیل است و ربطی به مردم ایران ندارد. در بین گروه‌هایی که این نوع موضع‌گیری را انجام داده‌اند، می‌توان به سه مورد اشاره کرد. حزب دموکرات ایران در بیانیه خود می‌نویسد که این جنگ «جنگ خلق‌های ایران و منافع آنها نیست.» بلکه «جنگ حکام جمهوری اسلامی» است. همین موضع توسط «حزب تضامن دموکراتیک اهوازی» هم گرفته شده و آنها گفته‌اند که «این جنگ؛ جنگ سپاه پاسداران و پروژه توسعه‌طلبی‌ای که دیگر نه مشروعیت دارد، نه ربطی به منافع ملت‌ها، در کنار این دو گروه، «حزب کمونیست کارگری - حکمتی است» هم قرار دارد که در بیانیه خود اشاره کرده‌اند که «این جنگ ما و طبقه کارگر نیست، جنگ ما زنان و نسل جوان نیست.» و با این توجیهات چشم‌شان را بر جنایات صورت گرفته و خرابی‌های کشور بسته‌اند.

۴ مقصر جنگ: یکی از مواردی که در بیانیه‌های صادرشده توسط این گروه‌ها دیده می‌شود، این مورد است که آنها جمهوری اسلامی و سیاست‌های درپیش گرفته‌شده توسط سیستم را عامل اصلی حمله اسرائیل به ایران و آغاز جنگ می‌دانند و اشاره‌ای به متجاوز بودن اسرائیل ندارند. در بین مواردی که جمهوری اسلامی را مقصر می‌دانند، می‌توان به «سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران» اشاره کرد. آنها به اشکال مختلف و به‌دلایل گوناگون جمهوری اسلامی را باعث ایجاد این جنگ عنوان می‌کنند و اصلاً به قوانین و قواعد بین‌الملل که توسط اسرائیل زیر پا گذاشته شده است، توجهی نداشته‌اند. یکی دیگر از موارد قابل اشاره در این زمینه، موضع‌گیری صورت گرفته توسط «چریک‌های فدایی خلق ایران» است. آنها در بخشی از بیانیه خود، با همان ادبیات آشنایی که دارند، بر این تأکید کرده‌اند که سران جمهوری اسلامی عامل این جنگ هستند و عملاً اسرائیل را در این تجاوز آشکار تطهیر کرده‌اند. «حزب دموکرات کردستان ایران» نیز نظری مشابه سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و چریک‌های فدایی خلق ایران دارد. آنها در بخشی از بیانیه‌ای که منتشر کردند، علت این جنگ را «ماهیت جنگ‌طلبانه و بحران‌آفرین» جمهوری اسلامی عنوان کرده و بدون اینکه به نقض ماده ۳۰ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو توسط اسرائیل که در آن گفته شده «طرفین مخاصمه باید اقدام به حفاظت از غیرنظامیان کنند» و به نقض ماده ۱۲ اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در آن اشاره شده «حمله به مراکز هسته‌ای ممنوع است» توسط این رژیم بپردازند؛ اشاره‌ای داشته باشند، نوشته‌اند که جمهوری اسلامی «حاضر نیست به هیچ مصوبه و توافق بین‌المللی گردن نهد.» مورد دیگر در این ارتباط، «حزب کمونیست کارگری ایران» است. آنها در تحلیلی که از شرایط ایجادشده داشته‌اند، اینگونه نوشته‌اند: «جمهوری اسلامی و سیاست‌های جنگ افروزان‌اش مسئول و عامل اصلی جنگ جاری است.» آنها در ادامه درخواست کرده‌اند که پروژه هسته‌ای ایران بر چیده شود. در بیانیه دو گروه دیگر نیز می‌توان نشانه‌هایی از این موضوع را مشاهده کرد. «گذار» و «حزب آزادی کردستان» هم جمهوری اسلامی را مقصر دانسته‌اند.

▼ تکرار تاریخ

همانطور که مشخص است، گروه‌هایی در خارج از مرزها وجود دارند که در حال تکرار تاریخ هستند. بهانه‌ها همان بهانه‌هایی است که در جنگ ایران و عراق وجود داشت. برای آنها وسیله مهم نیست؛ هدف مهم است. کاری ندارند که چه بر سر ایران می‌آید، چه تعداد از انسان‌های بی‌گناه ایرانی در این جنگ جان خود را از دست می‌دهند؛ برای‌شان فقط این مهم است که قدمی به هدف خود نزدیک شوند. البته تاریخ نشان داده که تکلیف مردم ایران با بی‌وطن‌ها مشخص است؛ آنها در همان جبهه‌ای قرار خواهند گرفت که مجاهدین خلق قرار گرفته‌اند و همیشه منفور خواهند ماند.



► عملیات فروغ جاویدان که توسط سازمان مجاهدین خلق در کنار صدام علیه ایران انجام گرفت، سال ۱۳۶۷

بیانیه ۵۰۰ امضایی

۵۰۰ نفر از فعالان سیاسی، مدنی و اجتماعی در محکومیت تجاوز اسرائیل به ایران بیانیه‌ای صادر کردند. در این بیانیه که به امضای چهره‌هایی مختلف از جمله مصطفی تاج‌زاده، حبیب‌الله پیمان، علیرضا راجیسی، ابوالفضل قدیانی، عبدالکریم سروش، حسن یوسفی اشکوری، لطف‌الله میثمی و... رسیده، با تأکید بر اینکه «دفاع از موجودیت و کيان کشور وظیفه همه نیروهای ملی و مردمی است.» آمده است: «اکنون که ایران عزیزتر از جان ما در معرض یکی از خطرناک‌ترین تهدیدهای تاریخ معاصر خود قرار دارد، این اقدامات ضروری به‌نظر می‌رسد: ۱- لازم است با اعطاف در مسئله غنی‌سازی و مهارت در مانورهای دیپلماتیک و بهره‌گیری از مجاری بین‌المللی، برای پایان بخشی به این جنگ خانمان‌سوز اقدام شود تا بیش از این بر مُلک و مَلّت، هزینه‌ها و خسارت‌های جانی، مالی و روانی تحمیل نشود. ۲- با آزادی محصوران و زندانیان سیاسی و عقیدتی و تأمین آزادی‌های سیاسی و مطبوعاتی، حفره‌های نفوذ بیگانگان به افکار عمومی مسدود گردد. ۳- به‌منظور بهبود وضع اقتصادی و معیشتی و ایجاد همبستگی ملی، نقدینگی و منابع سرشار خزانه غیررسمی که در مجموعه نهادهای خاص و مشخصی انباشته‌شده (بخش عمومی غیردولتی) و غیرقابل نظارت نیز هستند، به خزانه رسمی دولت انتقال یابد.» در بخش دیگر این بیانیه نیز تصریح شده است: «برنتافتن تجاوز خارجی و تأمین همبستگی ملی و هم‌گرایی تمام نیروهای مردمی و نهادهای مردم‌بنیاد، برای دفاع از کيان، موجودیت و تمامیت کشور و مصالح عمومی مردم، وظیفه اخلاقی همه کنشگران صنفی، مدنی، اجتماعی و سیاسی ملی و مردمی است. اما در این میان ضروری است به کسانی که از تهاجم اسرائیل یا هر نیروی بیگانه دیگری به ایران حمایت کرده، تصوّر می‌کنند به یاری قدرت‌های خارجی می‌توانند در این سرزمین بر اریکه قدرت بنشینند، یادآوری کنیم که بدانند مَلّت ایران، پس از تحمل این همه صدمات طی دهه‌ها و پس از کسب تجربیاتی گران‌بها و پربار، برای آینده ایران به چیزی کمتر از دموکراسی، استقلال، نظام جمهوری متکی به آرای مَلّت و حفظ تمامیت ارضی تن نخواهد داد.»

ادامه سر مقاله

این عملیات که بارباروسا نام داشت در اول تیرماه سال ۱۳۲۰ (۸۴ سال پیش در روزی چون فردا) انجام شد و به‌رغم موفقیت‌های اولیه‌اش، در پایان با همراهی و اتحاد مردم شوروی تبدیل به موجی برای آغاز شکست‌های پیاپی نازی‌ها شد. هیتلر پیش از حمله صریحاً گفته و معتقد بود که ساختار شوروی «پوسیده» است، کافی است شما در بزبند تا فروبریزد. نازی‌ها چنان به این گزاره معتقد بودند که حتی سعی نکردند تصویر سازش‌پذیری سیاسی از خود نشان دهند؛ بلکه رفتاری وحشیانه داشتند. به همین دلیل در مراحل اولیه تجاوز برخی همکاری‌های محلی به‌ویژه در اوکراین با آلمان صورت گرفت، ولی در ادامه و به سرعت تبدیل به دشمنی و مبارزه علیه نازی‌های متجاوز و اشغالگر شد. نکته مهم پایه مواجهه هیتلر با دیگر ملل است که مبتنی بر رویکرد نژادپرستانه و شرورانه او بود و مبتنی بر واقع‌بینی نبود. به همین دلیل در مناطق اشغالی اوکراین، بالتیک، قفقاز، برخی از مردم با تبلیغات نازی‌ها و دادن وعده‌هایی چون اصلاحات ارضی و آزادی دینی، ابتدا همراهی کردند. اما اعدام‌های جمعی، کار اجباری و غارت منابع طی چند ماه پس از حمله، اعتبار تبلیغات نازی‌ها را به‌کلی از میان برد.

اگر مدتی طول کشید تا مردم شوروی متوجه جنایتکاری ارتش ورماخت آلمان نازی شوند در تجاوز اخیر، پیش از حمله دست تنانیاها و آمریکا و غرب به‌ویژه آلمان برای مردم ایران رو شده بود لذا از همان آغاز، واکنش در خور خود را نشان دادند. این نگاه مردم از روز اول و در نحوه رفتار مردم با جنگ، سپس در نتایج نظرسنجی انجام شده اواسط هفته به‌خوبی بازتاب یافته است و روز گذشته هم در نمازهای جمعه متجلی گردید. این نشانه خوبی است از حس عمومی مردم ایران در مواجهه با خطر بیگانگان نژادپرست. درباره سیاست‌های رسمی فعلاً موضعی نمی‌توان گرفت. باید به تصمیمات رسمی اعتماد و از آنها حمایت نمود و امیدوار بود که این جنگ با حداقل خسارت به‌سود ایران، مردم و منطقه به پایان برسد.